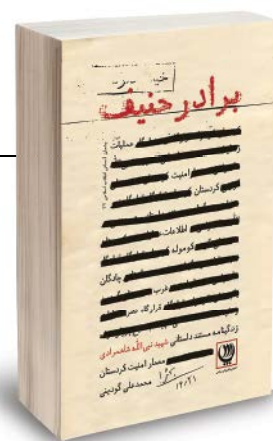


و بررسی شد:

# شناسیم؟



و همان افسانه‌های پیشینیان است و جایگاهی در فرهنگ دینی ندارد. در فرهنگ دینی، اسوه شدنی و دست‌یافتنی است. نبی...! شاهمردی باید به تعبیر قرآنی به عنوان اسوه و الگو معرفی شود. واژه اسوه، خیلی ساده‌تر و خودمانی‌تر است. قاسمی‌پور در بخش دیگری از نقد خود بر کتاب «برادر حنیف» اظهار کرد: در ابتدای کتاب، «بسم... الرحمن الرحیم» با خط ثلث درج شده که در زیر آن نوشته شده مربوط به نسخه‌ای از قرآن خطی در کتابخانه دکتر شریعتی، اما مشخص نشده منظور کدام کتابخانه دکتر شریعتی است. در همین شهر تهران، چندین کتابخانه با این نام وجود دارد. صفحه‌آرایی کتاب در کل خوب است، مگر در مواردی مانند شماره‌گذاری صفحات که بهتر بود بالای صفحات درج شود یا تکرار عنوان کتاب در گوشه سمت راست همه صفحات آمده که قدری باعث شلوغی شده و می‌تواند فضای تفکر را از خواننده بگیرد.

## چرا شهید این نام مستعار را برای خود برگزید؟

وی با اشاره به موضوع انتخاب نام مستعار حنیف از سوی شهید، ادامه داد: انتخاب مستعار در بین افراد به‌ویژه اشخاصی در جایگاه شهید شاهمردی به‌ویژه در سال‌های اول انقلاب، رواج داشت. اما در هیچ‌جای کتاب اشاره‌ای به این مسأله نشده که چرا شهید این نام مستعار را برای خود برگزیده است. هیچ جزئیاتی از این موضوع در متن کتاب دیده نمی‌شود.

## زبان گفت‌وگوها، زبان معیار فارسی پایتخت است

این نویسنده و منتقد ادبی درباره دیالوگ‌ها و زبان کتاب نیز گفت: در نگارش داستانی، گفت‌وگونیسی یکی از ابزارهایی است که برای پیشبرد کار به داستان‌نویس توصیه می‌شود. به این معنا که در جاهایی اجازه بدیم خود آدم‌های داستان حرف بزنند. اما در این اثر این جریان برعکس است، یعنی پایه و اساس کار، گفت‌وگوست و در جاهایی نیز توصیف می‌آید. بیش از ۱۰۰ صفحه ابتدایی اثر در جغرافیای جنوب اصفهان که فکر می‌کنم امروز این بخش به استان چهارمحال و بختیاری پیوسته، می‌گذرد که این منطقه دارای گویش خاصی است. بیشتر حجم کتاب نیز در استان آذربایجان غربی و بخش‌هایی از کردستان می‌گذرد که آنجا هم طبیعتاً گویش‌ها و لهجه‌های خاص خود را دارند. بخش‌های پایانی هم که در تهران است ولی اساساً زبان گفت‌وگوها، زبان معیار فارسی پایتخت است.



رد خاستگاه اجتماعی و فرهنگی آدم‌ها، چندان در گفت‌وگوها دیده نمی‌شود. حداقل درباره شخصیت «برادر حنیف» و در جاهایی همسر و مادر ایشان که شخصیت‌های پررنگ‌تری در داستان هستند، توقع داریم خاستگاه اجتماعی‌شان که «چادگان» است، در لهجه آنها نمود داشته باشد. قاسمی‌پور افزود: مدل گفت‌وگوهای کتاب بیشتر شبیه جلسات رسمی و جدی است. آدم‌ها خیلی رسمی باهم حرف می‌زنند و این موضوع شاید مقداری گفت‌وگوها را خسته‌کننده کند.

می‌شد کمی این گفت‌وگوها را تلطیف کرد و فضای صمیمانه‌تر و خودمانی‌تر به آن داد. حداقل نحوه دیالوگ در جلسات با نوع دیالوگ در خانه باید متفاوت باشد. بیشتر مطالب کلیدی در دل گفت‌وگوها مطرح می‌شود.

## کتاب، ما را در اتمسفر رویش شخصیت قرار نمی‌دهد

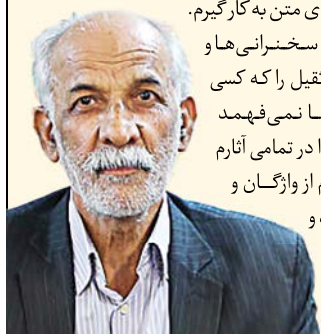
وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اهمیت ذکر نام و جزئیات جغرافیایی مکان‌ها بیان کرد: آوردن اسم مکان‌ها، قرابت و انس به همراه دارد، ولی خلأ و ضعف آن در این کتاب، ما را در اتمسفری که باید در آن رشد و رویش شخصیت اصلی را دنبال کنیم، قرار نمی‌دهد. در این داستان دو نقطه عطف مکانی در زمینه تأثیرگذاری بر زندگی و رشد شخصیتی قهرمان داستان وجود دارد: چادگان و قرارگاه حمزه. وقتی تکنیک روایت داستانی را انتخاب می‌کنیم، باید این موارد را با جزئیات به تصویر بکشیم. حتی در اثر، توصیف و جزئیاتی از مکان جلسات وجود ندارد. برای روایت داستانی، تحقیق نباید به گفت‌وگو محدود شود، بلکه باید یکسری اطلاعات جغرافیایی و زیست‌بومی ارائه شود. این منتقد ادبی همچنین گفت: ازجمله مواردی که در این کتاب خلأ آن احساس می‌شود این است که هیچ اشاره‌ای به جایگاه امام خمینی (ره) در زندگی فردی که به‌طور مستقیم با مسائل انقلاب در ارتباط بوده، نشده است. یا حتی به جزئیات و حال و هوای سفر معنوی حج در سال ۱۳۷۱ یا دیگر سفرهای زیارتی ایشان مانند تشریف به حرم علی بن موسی‌الرضا (ع) یا حتی امامزاده محل خودشان نشده است. خلأ چنین مواردی، ابعاد وجودی شخصیت اصلی داستان را در چند ساحت مشخص محدود می‌کند. حتی توصیف روابط خانوادگی شهید نیز جای کار بیشتری دارد.

محمدعلی گودینی:

## سعی کردم با توصیف و فضا سازی، قالب داستانی به کتاب بدهم

زمانی که کار نگارش این کتاب به من پیشنهاد شد، ۷۰۰ صفحه روزنامه در اختیار من قرار گرفت و اطلاعاتی نیز از طریق مصاحبه با برخی همزمان و خانواده شهید به دست آوردم که پس از جمع‌آوری اطلاعات، طرح کار ریخته شد. در پروسه نگارش تا چاپ کتاب، چندین نوبت اطلاعات تغییر کرد و اطلاعات جدید جایگزین شد و بارها از سوی خانواده شهید و ناشر مورد بازبینی قرار گرفت. سعی کردم حجم کتاب بیشتر از ۳۰۰ صفحه نشود تا مطالعه آن برای مخاطب راحت‌تر باشد.

ابتدا عنوان «صبح پرواز حنیف» را برای کتاب انتخاب کرده بودم که پس از چاپ نام کتاب به «برادر حنیف» تغییر کرد که به‌نظرم این عنوان شعاری است. برخی نام‌ها و اسامی مکان‌ها در کتاب یا اطلاعاتی درباره آنها وجود نداشت یا ناقص بود. همچنین در زمینه نشان دادن لهجه‌ها در کتاب نیز ملاحظات و جود داشت و تغییراتی در محتوا لحاظ شد. اتفاق شغای همسر همزمان شهید که کتاب با آن آغاز می‌شود، کاملاً واقعی است. مستندات دیگری که در این باره وجود دارد، مؤید حقیقت این موضوع است. شهید نبی... شاهمردی آنقدر انسان پاک و شریفی بوده که افراد بسیاری قلباً به او اعتقاد داشتند. خواستم این ماجرا به عنوان مقدمه و شروع کتاب باشد. سعی داشتم با توصیف و فضا سازی، قالب داستانی به کار بدهم، چون داستان ماندگار می‌شود. اگر می‌خواستم داستان را فقط به حالت مستند و خطی جلو ببرم، شاید ۵۰ صفحه بیشتر نمی‌شد. ولی با فضا سازی، توصیف و شخصیت پردازی، فضای داستانی پررنگ‌تر شد. سعی کردم از ابتدا تا انتها، زبان ساده را برای متن به کار گیرم.



چون خودم سخنرانی‌ها و دیالوگ‌های ثقیل را که کسی چیزی از آنها نمی‌فهمد نمی‌پسندم، لذا در تمامی آثارم تلاش کرده‌ام از واژگان و جملات ساده و همه‌فهم استفاده کنم.

## سردار سید حسن بتولی: شهید شاهمردی؛ نمونه‌ای از پشتکار و اخلاق بود



در بخش پایانی این نشست سردار سید حسن بتولی از همزمان شهید نبی... شاهمردی با بیان خاطراتی از چگونگی برقراری امنیت کردستان در دوران بحرانی سال‌های ابتدایی انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب، به توصیف ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد شهید شاهمردی در مسئولیت‌هایی که برعهده داشت، پرداخت. وی گفت: این شهید مانند خیلی دیگر از فرماندهان، کار تخصصی خود را در لفافه‌ای از اخلاق اسلامی انجام می‌داد، چرا که اعتقادات و احکام خود را در اخلاق متجلی می‌کرد. اعتقادش به او حکم می‌کرد که کارهای تخصصی خود از جمله مبارزه با کومله را در هاله‌ای از اعتقادات، اصول و احکام شرعی به انجام برساند. این شهید از نظر پشتکار و ویژگی‌های اخلاقی نمونه بود. امیدوارم بتوانیم به رفتار، اعتقادات، وفاداری، گذشت و ساده‌زیستی ایشان تأسی کنیم.

خدمت شد. در مقطعی با تشکیل جهاد سازندگی به آن نهاد پیوسته و سرانجام پس از استقرار سپاه پاسداران در منطقه فریدن - در سال ۵۸ - از اولین افرادی است که به عضویت این نهاد مقدس در می‌آید.

شهید شاهمردی با توجه به تجربیات گرانقدر به دست آورده در طول مدت مبارزه با رژیم پهلوی در منطقه و همچنین آشنایی کامل با مسائل و جریانات منطقه فریدن، واحد اطلاعات سپاه فریدن را راه‌اندازی و در همان جا مشغول فعالیت می‌شود و در مسئولیت‌های مختلفی از جمله مسئول واحد اطلاعات سپاه فریدن، سپاه فریدونشهر و سپاه فلاورجان انجام وظیفه می‌کند.